

الركن الثالث : في بقية الصلوات

بخش سوم: ساير نمازها

وفيه فصول:

[این بخش چند فصل دارد:]

الأول: في صلاة الجمعة

فصل اول: نماز جمعه

والنظر في: الجمعة، ومن تجب عليه، وآدابها.

که دارای سه بحث در خصوص کیفیت، واجبات و آداب آن است.

الأول: الجمعة.

اول: [کیفیت] نماز جمعه

ركعتان كالصبح يسقط معهما الظهر، ويستحب فيهما الجهر. وتجب بزوال الشمس ويمتد وقتها بامتداد وقت الظهر، ولو خرج الوقت - وهو فيها - أتم جمعة إماماً كان أو مأموماً. وتفوت الجمعة بفوات الوقت، ثم لا تقضى جمعة، وإنما تقضى ظهراً. ولو وجبت الجمعة فصلى الظهر وجب عليه السعي لذلك، فإن أدركها وإلا أعاد الظهر ولم يجتزئ بالأول. ولو تيقن أن الوقت يتسع للخطبة وركعتين خفيفتين وجبت الجمعة، وإن تيقن أو غلب على ظنه أن الوقت لا يتسع لذلك فقد فاتت الجمعة ويصلي ظهراً. فأما لو لم يحضر الخطبة في أول الصلاة وأدرك مع الإمام ركعة صلى جمعة، وكذا لو أدرك الإمام راکعاً في الثانية. ولو كبر وركع ثم شك هل كان الإمام راکعاً أو رافعاً لم يكن له جمعة، وصلى الظهر.

دو رکعت است، مانند نماز صبح که با خواندن این دو رکعت، نماز ظهر از گردن مکلف ساقط می‌شود. مستحب است که در نماز جمعه، حمد و سوره بلند خوانده شوند. وقت آن از اذان ظهر تا پایان وقت ظهر است.^(۱) اگر امام یا مأموم در حال خواندن نماز جمعه باشند و وقت تمام شود باید نماز را به پایان برسانند، ولی اگر وقت کاملاً تمام شود نمی‌توانند نماز جمعه بخوانند و اگر نماز جمعه را ترک کردند باید قضای نماز ظهر را به‌جا آورند، نه نماز جمعه را.

اگر شخصی در شرایطی قرار گرفت که نماز جمعه بر او واجب شد، ولی او نماز ظهر را به‌جا آورد، باید برای رسیدن به نماز جمعه تلاش کند؛ اگر به نماز جمعه رسید، [صحیح است] و اگر نرسید باید دوباره نماز ظهر بخواند و نماز ظهر اولش کافی نیست.

اگر نمازگزار یقین کند که به‌اندازه دو خطبه و دو رکعت کوتاه نماز وقت دارد، نماز جمعه واجب می‌شود، ولی اگر یقین یا گمان قوی داشته باشد که وقت چنین کاری را ندارد نماز جمعه از دست رفته است و باید نماز ظهر بخواند. اگر به خطبه‌های نماز جمعه نرسید، ولی به یک رکعت از نماز جمعه رسید و یا حتی به رکوع آخر رسید نماز جمعه او درست است، ولی اگر تکبیر گفت و رکوع را به‌جا آورد و پس از آن شک کرد که به رکوع امام رسیده است، یا نه، نماز جمعه او درست نیست و باید نماز ظهر بخواند.

ثم الجمعة لا تجب إلا بشروط:

نماز جمعه جز با شرایط زیر واجب نمی‌شود:

الأول: السلطان العادل (الإمام المعصوم (ع)) أو من نصبه، فلو مات الإمام في أثناء الصلاة لم تبطل الجمعة، وجز أن تقدم الجماعة من يتم بهم الصلاة. وكذا لو عرض للمنصب ما يبطل الصلاة من إغماء أو جنون أو حدث.

اول: وجود حاکم عادل (امام معصوم (ع))، یا هرکسی که از جانب او منصوب شود. اگر در وسط نماز جمعه، امام (جمعه) فوت کند نماز باطل نمی‌شود، بلکه جایز است جماعت، کسی را جلو بیندازند تا نماز جمعه را برای آن‌ها تمام کند.^(۲) اگر برای منصوب از طرف امام (ع) مبطل نماز پیش آید، از جمله بی‌هوشی یا دیوانگی یا حدثی از او سرزند، همین حکم جاری است.

1- مقصود از پایان وقت ظهر، یعنی تا چند دقیقه مانده به غروب آفتاب به‌اندازه خواندن نماز عصر.

نکته: مدت‌زمان نماز جمعه باید در حد معمول باشد، نه خیلی طولانی و خسته‌کننده، و نه خیلی کوتاه که به ارکان آن صدمه بزند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 86)

2- نیازی نیست کسی که جلو فرستاده می‌شود توسط همه جماعت انتخاب شود، بلکه اگر تعدادی به او اشاره کنند که جلو رود کافی است؛ و او نیز نماز را ادامه

می‌دهد و لازم نیست از ابتدا بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 87)

الثاني: العدد، وهو خمسة الإمام أحدهم. ولو انفضوا في أثناء الخطبة أو بعدها قبل التلبس بالصلاة سقط الوجوب، وإن دخلوا في الصلاة ولو بالتكبير وجب الإتمام ولو لم يبق إلا واحد.

دوم: تعداد افراد با احتساب خود امام حداقل باید پنج نفر باشند.⁽³⁾ اگر در هنگام خطبه یا بعد از خطبه و قبل از ورود به نماز پراکنده شوند، وجوب نماز جمعه از بین می‌رود، ولی اگر وارد نماز شدند -حتی به اندازه یک تکبیر- بر آنها واجب است که نماز را به اتمام برسانند، حتی اگر یک نفر بیشتر باقی نمانده باشد.

الثالث: الخطبتان، ويجب في كل واحد منهما: الحمد لله، والصلاة على النبي وآله (ع)، والوعظ، وقراءة سورة خفيفة أو آية واحدة.

سوم: دو خطبه، که در هر کدام از دو خطبه چند چیز واجب است:

- ستایش خداوند
- صلوات بر محمد و آل محمد (ص)
- نصیحت کردن
- خواندن یک سوره کوتاه یا یک آیه

وعنهم (ع): يحمد الله ويثني عليه، ثم يوصي بتقوى الله، ويقرأ سورة خفيفة من القرآن، ثم يجلس، ثم يقوم فيحمد الله ويثني عليه ويصلي على النبي وآله وعلى أئمة المسلمين ويستغفر للمؤمنين والمؤمنات. ويجوز إيقاعهما قبل زوال الشمس حتى إذا فرغ زالت. ويجب أن تكون الخطبة مقدمة على الصلاة، فلو بدأ بالصلاة لم تصح الجمعة. ويجب أن يكون الخطيب قائماً وقت إيراده مع القدرة، ويجب الفصل بين الخطبتين بجلسة خفيفة، وتجب فيهما الطهارة على الإمام دون المأمومين، ولو أحدث في الخطبة تطهر وبني. ويجب أن يرفع صوته بحيث يسمع العدد المعتبر فصاعداً.

و اهل بيت (ع) [درباره چگونگی خطبه‌ها] فرموده‌اند: خدا را سپاس گوید و ثنای الهی به‌جا آورد، سپس توصیه به تقوی کند و در آخر خطبه، یک سوره کوتاه از قرآن را بخواند، سپس در بین دو خطبه بنشیند و بعد از آن برخیزد و در خطبه دوم حمد خدا و ثنای او را به‌جا آورده، آنگاه بر محمد و آل محمد و ائمه مسلمین درود و صلوات فرستاده، برای زن و مرد مؤمن استغفار کند. جایز است که خطبه‌های نماز جمعه قبل از داخل شدن وقت نماز (قبل از زوال خورشید) خوانده شوند و دقیقاً با تمام شدن دو خطبه وقت نماز داخل شود. واجب است که ابتدا دو خطبه خوانده و بعد دو رکعت نماز جمعه اقامه شود؛ اگر اول، نماز را به‌جا آورد (و بعد خطبه‌ها را بخواند) صحیح نیست. خطیب نماز

3- تعداد افراد نماز جمعه، با حضور بانوان نیز تکمیل می‌شود، اما با حضور کودک غیر بالغ که ممیز هم باشد، تکمیل نمی‌شود. اگر هنگام اذان ظهر، تعدادشان به پنج نفر نرسید، نماز جمعه بر آنها واجب نیست و می‌توانند نماز ظهر بخوانند، البته اگر امید آمدن نفرات دیگر و تکمیل پنج نفر را دارند، صبر کردن بهتر است. اگر امام معین در آنجا حضور نداشته باشد، نماز جمعه مستحب است، اما اگر در مکانی دیگر، امام تعیین شده‌ای از طرف امام (ع) وجود داشت، باید برای نماز، خود را به آنجا برسانند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 88 و 92)

جمعه زمانی که خطبه‌ها را بیان می‌کند، در صورت توانایی باید ایستاده باشد، و فاصله انداختن بین دو خطبه با نشستنی کوتاه، واجب است؛ و در هنگام خطبه، طهارت بر امام واجب است، ولی بر مأمومین واجب نیست؛ و اگر در خطبه حدیثی از امام سر زد، باید طهارت حاصل و خطبه را کامل کند. بر امام واجب است که صدای خود را تا حدی بالا ببرد تا تعداد افراد معتبر [برای وجوب نماز جمعه] بلکه بیشتر از این تعداد بشنوند.

الرابع: الجماعة، فلا تصح فرادی، وإذا حضر الإمام الأصل (المعصوم) وجب عليه الحضور والتقدم، وإن منعه مانع جاز أن يستتیب.

چهارم: نماز جمعه به جماعت برگزار می‌شود و فرادای آن صحیح نیست. اگر امام اصلی (معصوم) حضور داشته باشد، حضور در نماز جمعه و اقامه آن بر ایشان واجب می‌گردد و اگر مانعی برای او پیش آید می‌تواند کسی را جایگزین خود کند.

الخامس: أن لا يكون هناك جمعة أخرى وبينهما دون (5.5 كم)، فإن اتفقتا بطلتا، وإن سبقت إحداهما ولو بتكبيرة الإحرام بطلت المتأخرة، ولو لم يتحقق السابقة أعادا ظهراً.

پنجم: نباید دو نماز جمعه با فاصله کمتر از پنج و نیم [۵/۵] کیلومتر برگزار شوند؛ اگر هم‌زمان با هم برگزار شدند هر دو باطل هستند؛ اگر یکی از آن دو نماز جمعه حتی اگر به اندازه یک تکبیرة الاحرام پیش بیفتد و زودتر برگزار شود، همان صحیح است و دیگری باطل می‌باشد و چنانچه پیشی گرفتن یکی از دیگری ثابت نشود، هر دو باید ظهر را به‌جا آورند.

الثاني: فيمن يجب عليه.

دوم: کسی که نماز جمعه بر او واجب است

ویراعی فيه شروط سبعة: التكليف، والذكورة، والحرية، والحضر، والسلامة من العمى والمرض والعرج، وأن لا يكون همماً ولا بينه وبين الجمعة أزيد من (11 كم). وكل هؤلاء إذا تكفوا الحضور وجبت عليهم الجمعة وانعقدت بهم، سوى من خرج عن التكليف. ولو حضر الكافر لم تصح منه ولم تنعقد به وإن كانت واجبه عليه. وتجب الجمعة على أهل السواد، كما تجب على أهل المدن مع استكمال الشروط، وكذا على الساكن بالخيم كأهل البادية إذا كانوا قاطنين.

به هفت شرط نماز جمعه واجب می‌شود:

- رسیدن به سن تکلیف.
- مرد بودن.
- آزاد بودن (برده و بنده نبودن).
- در سفر نبودن.

- کور یا لنگ یا مریض نباشد.

- پیر و ناتوان نباشد.

- از محل زندگی او تا نماز جمعه بیشتر از ۱۱ کیلومتر فاصله نباشد.

هرگاه این افراد با تکلف و سختی در نماز جمعه حاضر شوند، باید در نماز جمعه شرکت کنند و با حضور آن‌ها نماز جمعه برگزار می‌شود، غیر از افرادی که تکلیف از آنان برداشته شده است. اگر کافر به نماز جمعه آمد نمازش صحیح نیست و (مثلاً اگر تعداد افراد به حد کافی نرسیده بود) کافر آن را کامل نمی‌کند، هرچند که بر او نیز واجب است. با کامل شدن شرایط نماز جمعه شرکت کردن در آن بر روستائیان واجب می‌شود، همان‌گونه که بر اهالی شهر واجب است و همچنین بر چادرنشینیان شبیه عشایر و بادیه‌نشینان اگر ساکن شده باشند، واجب است.

وها هنا مسائل:

مسائل ده‌گانه:

الأولى: من اعتق بعضه لا تجب عليه الجمعة، ولو هياه مولاة لم تجب عليه الجمعة، ولو اتفقت في يوم نفسه. كذا المكاتب والمدبر.

اول: اگر بخشی از برده آزاد شده باشد، نماز جمعه بر او واجب نیست، همچنین اگر مولایش با او قرارداد کرده باشد که برخی از روزها در اختیار خودش و برخی روزها در اختیار مولایش باشد، و جمعه در روزهایی قرار گرفت که در اختیار خودش است، باز هم نماز جمعه بر او واجب نیست. همین حکم برای بنده مکاتب⁽⁴⁾ و بنده مدبر⁽⁵⁾ نیز جاری است.

الثانية: من سقطت عنه الجمعة يجوز أن يصلي الظهر في أول وقتها، ولا يجب عليه تأخيرها حتى تقوت الجمعة، بل لا يستحب إلا إذا ظن أنه سيحضرها. ولو حضر الجمعة بعد ذلك وجبت عليه.

دوم: شخصی که نماز جمعه از او ساقط شده است جایز است نماز ظهر را در اول وقت بخواند و واجب نیست که آن را به تأخیر بیندازد تا نماز جمعه تمام شود، بلکه حتی تأخیر آن مستحب هم نیست، مگر آن شخصی که می‌داند به‌زودی به وطنش می‌رسد و اگر به نماز جمعه رسید اقامه آن بر او واجب می‌شود.

الثالثة: إذا زالت الشمس لم يجز السفر لتعيين الجمعة، ويكره بعد طلوع الفجر.

سوم: سفر بعد از اذان صبح روز جمعه برای کسی که نماز جمعه برایش واجب است، مکروه است و بعد از اذان ظهر، جایز نیست.

الرابعة: الإصغاء إلى الخطبة واجب، وكذا يحرم الكلام في أثنائها، لكن ليس بمبطل للجمعة.

چهارم: گوش فرا دادن به خطبه‌های نماز جمعه واجب، و سخن گفتن در هنگام خواندن خطبه حرام است، ولی نماز جمعه را باطل نمی‌کند.

4- مكاتب: شخصی که با مولای خود قراردادی بسته مبنی بر اینکه مبلغی را پرداخت کند و آزاد شود ولی هنوز آزادی‌اش کامل نشده است. (احکام الشریعه بین

السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 93)

5- مدبر: شخصی که مولایش به او گفته است که بعد از مرگ من آزاد میشوی. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 93)

الخامسة: يعتبر في إمام الجمعة: كمال العقل، والإيمان، والعدالة، وطهارة المولد، والذكورة إذا كان في المأمومين رجال. ويجوز أن يكون عبداً، و يجوز أن يكون أبرص وأجذم، وكذا الأعمى بل وأصم وأبكم إذا كان يصلي بضم بكم، ويخطب بالإشارة، ولا يجب عندها حضور غيرهم.

پنجم: شروط امام جمعه: ۱- كامل بودن عقل ۲- ايمان ۳- عدالت ۴- ولادت پاک (مشروع) ۵- مرد باشد، اگر در مأمومين مردی وجود داشته باشد.

امام جمعه می تواند برده، جذامی یا پیسی داشته، کور و یا ناشنوا (کر و لال) باشد و با اشاره خطبه را بخواند، ولی در این حالت واجب نیست غیر این گروه (کر و لالهها) در نماز جمعه حاضر شوند.

السادسة: المسافر إذا نوى الإقامة في بلد عشرة أيام فصاعداً وجبت عليه الجمعة وكذا إذا لم ينو الإقامة ومضى عليه ثلاثون يوماً في مصر واحد.

ششم: اگر مسافر قصد کند که ده روز یا بیشتر در یک شهر بماند، یا اینکه بیش از سی روز بدون نیت در یک شهر اقامت کند، نماز جمعه بر او واجب می شود.

السابعة: الأذان الثاني يوم الجمعة بدعة.

هفتم: اذان دوم روز جمعه بدعت است. (۶)

الثامنة: يحرم البيع يوم الجمعة بعد الأذان، فإن باع أثم وكان البيع صحيحاً. ولو كان أحد المتعاقدين ممن لا يجب عليه السعي كان البيع سائغاً بالنظر إليه، وحراماً بالنظر إلى الآخر.

هشتم: بعد از اذان روز جمعه خرید و فروش حرام است و اگر کسی چنین کند، گناه کرده، ولی معامله اش صحیح است. اگر نماز جمعه بر یکی از دو طرف معامله واجب نباشد، معامله برای همان شخص جایز و برای دیگری حرام است.

التاسعة: إذا لم يكن الإمام موجوداً ولا من نصبه للصلاة وأمكن الاجتماع يستحب أن يصلي الجمعة.

نهم: اگر امام معصوم، یا آن شخصی که از طرف او منصوب شده است، موجود نباشند، ولی اجتماع برای نماز ممکن باشد، نماز جمعه مستحب است.

العاشرة: إذا لم يتمكن المأموم من السجود مع الإمام الأولى لشدة الزحام مثلاً، فإن أمكنه السجود والالتحاق به قبل الركوع (ركوع الإمام في الثانية) صح، وإلا اقتصر على متابعتة في السجدين (الإمام

6- منظور از اذان دوم روز جمعه، اذان گفتن بعد از خواندن خطبه هاست که بدعت است؛ ولی اذان برای نماز عصر روز جمعه، حرام نیست.

يسجد سجدي الثانية وهو يسجد سجدي الأولى)، فإن نوى بهما الثانية جهلاً أو سهواً لا يضره، ويتم الثانية.

دهم: وقتی که نمازگزار به هر دلیل (مثلاً شلوغی) نتوانست دو سجده رکعت اول را همراه امام به جا آورد، اگر بتواند [باید] سجده‌ها را به جا آورده، قبل از رکوع رکعت دوم، خود را به امام برساند و در این صورت نمازش صحیح است، اما اگر نتوانست باید به این شکل ادامه دهد: هنگامی که امام در سجود رکعت دوم است نمازگزار به نیت دو سجده رکعت اول سجده می کند و اگر نادانسته و یا از روی سهو، دو سجده را به نیت رکعت دوم انجام دهد، ایرادی ندارد و رکعت دوم را خودش بخواند.

وإما آداب الجمعة : فالغسل، والتنفل بعشرين ركعة: ست عند انبساط الشمس وست عند ارتفاعها، وست قبل الزوال، وركعتان عند الزوال. ولو أحر النافلة إلى بعد الزوال جاز، وأفضل من ذلك تقديمها. وإن صلى بين الفريضتين ست ركعات من النافلة جاز. وأن يباكر المصلي إلى المسجد الأعظم بعد أن يحلق رأسه ويقص أظفاره، ويأخذ من شاربته، وأن يكون على سكينه ووقار، متطيباً لابساً أفضل ثيابه، وأن يدعو أمام توجهه، وأن يكون الخطيب بليغاً مواظباً على الصلوات في أول أوقاتها.

سوم: آداب نماز جمعه

- غسل کردن
- بیست رکعت نماز مستحب: شش رکعت هنگام برآمدن خورشید، شش رکعت هنگام بالا آمدن آن در آسمان، شش رکعت نیز قبل از زوال و دو رکعت در هنگام ظهر شرعی.⁽⁷⁾
- * جایز است بعد از ظهر هم این بیست رکعت نماز مستحبی را بخواند، ولی بهتر است تا قبل از ظهر بخواند؛ و اگر بین دو نماز واجب⁽⁸⁾ شش رکعت از نماز نافله را بخواند، جایز است.

- زودتر از بقیه، در رفتن به مسجد اعظم شتاب کرده و به محل نماز جمعه برود، بعد از اینکه:
- سر خود را بتراشد.
- ناخن های خود را کوتاه کند.
- سیبیل خود را کوتاه کند.
- با آرامش و وقار به سوی مصلی برود.
- بهترین لباس خود را بر تن و خود را معطر کند.
- و قبل از حرکت به سمت مصلی دعا کند.

7- مدت زمان بین طلوع آفتاب و اذان ظهر را سه قسمت می کنیم، قسمت اول زمان برآمدن خورشید است، قسمت دوم زمان ارتفاع خورشید، و قسمت سوم قبل از زوال. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 95)

خطیب:

- باید انسان بلیغی باشد.
- و اهل نماز اول وقت باشد.

ویکره له: الكلام في أثناء الخطبة بغيرها، ويستحب له: أن يتعمم شاتياً كان أو قائضاً، ويرتدي ببرد يمنية، وأن يكون معتمداً على شيء، وأن يسلم أولاً، وأن يجلس أمام الخطبة، وإذا سبق الإمام إلى قراءة سورة فليعدل إلى "الجمعة" وكذا في الثانية يعدل إلى سورة "المنافقين" ما لم يتجاوز نصف السورة، إلا في سورة "الجحد" و "التوحيد". ويستحب الجهر بالظهر في يوم الجمعة، ومن يصلي ظهراً فالأفضل إيقاعها في المسجد الأعظم. وإذا لم يكن إمام الجمعة ممن يقتدى به جاز أن يقدم المأموم صلاته على الإمام، ولو صلى معه ركعتين وأتمهما بعد تسليم الإمام ظهراً كان أفضل.

- صحبت کردن در خطبه‌ها برای خطیب مکروه است، مگر درباره خطبه‌ها.
- و [مستحب است خطیب] معمم باشد، چه در تابستان و چه در زمستان.
- بُرد یمانی بیوشد.
- بر چیزی تکیه کند.
- در ابتدا سلام کند.
- قبل از خطبه بنشیند.
- و اگر امام شروع به خواندن سوره‌ای کرد و هنوز از نصف سوره نگذشته بود، بهتر است به جای آن، در رکعت اول، سوره جمعه، و در رکعت دوم، سوره منافقون را بخواند، مگر اینکه سوره کافرون یا توحید را خوانده باشد.⁽⁹⁾
- مستحب است که نماز ظهر جمعه را بلند بخواند.
- کسی که نماز ظهر می‌خواند بهتر است در مسجد جامع بخواند.
- اگر امام جمعه کسی باشد که اقتدا به او جایز نیست،⁽¹⁰⁾ نمازگزار می‌تواند نمازش را زودتر از امام بخواند؛ و اگر همراه امام دو رکعت بخواند⁽¹¹⁾ و بعد از سلام امام، با دو رکعت دیگر نماز ظهر را تمام کند، بهتر است.

9- اگر سوره کافرون یا توحید را شروع کرده باشد، نمی‌تواند آن را رها کرده و به جای آن، جمعه یا منافقون را بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 95)

10- مثلاً به حق ایمان نداشته باشد، یا.... (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 96)

11- نیت فرادا دارد ولی حرکاتش را هم‌زمان با امام انجام می‌دهد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 96)

